

# آذر بایجان

دوره پنجم شماره ۲۸ فروردین ۱۳۹۶

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

## کاندیداتوری ابراهیم رئیسی

### توهین به ملت ایران است

احمد منتظری، فعال سیاسی - مذهبی و فرزند آیت الله حسینعلی منتظری در مصاحبه با کمپین حقوق بشر در ایران گفت که کاندیداتوری ابراهیم رئیسی، تولید آستان قدس رضوی در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر به یک شوخی شبیه است و توهین به ملت ایران است. خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری ایران از قطعی شدن کاندیداتوری ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری ایران که ۲۹ اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد خبر داده‌اند. ابراهیم رئیسی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳ به مدت ۱۰ سال معاون اول قوه قضائیه بود و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ نیز دادستان کل کشور شد. او ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۴ با حکم آیت‌الله خامنه‌ای به تولیت آستان قدس رضوی یکی از ثروتمندترین و قدرتمندترین نهادهای غیرشفاف در جمهوری اسلامی منصوب شد. اما بیشترین بخش از دوران مسئولیت‌های اداری‌اش در قوه قضائیه جمهوری اسلامی سپری شده است.

ادامه درص ۲

## بیانیه شورای صلح امریکا

هم اکنون برای جلوگیری از حمله ترامپ به سوریه اقدام کنیم!

گری کوندون، بعنوان کهنه سرباز صلح، به صورت عاقلانه ای مشاهده کرده است که منبع گزارش‌های حمله شیمیایی خود نیروهای شورشی هستند، رسانه‌های خود آن‌ها، و وایت هلمت (کلاه سفیدها)، و دیگران جی او‌های مورد تامین مالی غربی هستند که به خاطر تبلیغات "تغییر رژیم" علیه دولت اسد رسوایند...

### فوری

هم اکنون برای جلوگیری از حمله ترامپ به سوریه اقدام کنیم!

هم اکنون به کاخ سفید و کنگره تلفن کنید!

رئیس جمهور ترامپ دیروز - که در طی کارزار انتخاباتی اشتیاق به رویکردی جدید، و مهارکننده تر نسبت به جنگ در سوریه ابراز داشت - آشکارا این ادعا که دولت سوریه در حال استفاده از سلاح شیمیایی علیه مردم خود، از جمله کودکان است را پذیرفت. او اظهار داشت "خطوط در هم شکسته اند".

ادامه درص ۳



## چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۹۶

### دکتر محمد حسین یحیایی

سال 1396 با پیام رهبری که بصورت کلیشه ای، تکراری و پر از تناقض و ابهام تهیه شده بود، آغاز شد. اساس پیام را فعالیت های اقتصادی، ناکامی ها و ناتوانی های رژیم تشکیل می داد که نشانگر نگرانی، اضطراب، ترس از آینده و زوال زود رس رژیم در آن مشاهده می شد، که

با خیزش عمومی و ناگهانی، بویژه از سوی جوانان بستوه آمده از بیکاری، فساد و دزدی از یک سو و فشار و اختناق و سرکوب از سوی دیگر به سرعت در حال شکلگیری و تحقق است.

ادامه درص ۴

آزاد سازی حقوق کارگران مهاجر ۷ص

بیران به بناه سرزمین ما ۹ص

تامله در چگونه ... ۱۱ص

خانه ای برای رفاه کارگران ۱۲ص

دشت اردبیل در معرض خطر ۱۸ص

## تفاهات تلخ و شیرین سال گذشته

اتفاقات تلخ و شیرین زیادی در سال گذشته رخ داد. در میان انبوهی از این اتفاقات عمدتاً تلخی که رخ داد. چند رویداد از همه برجسته تر و فراگیر تر بود.

### خداحافظ پلاسکو

در بین اتفاقاتی اجتماعی که در سال 95 خبری شد، حادثه پلاسکو بیش از سایر اتفاقات موجبات غم را برای هموطنان ایجاد کرد. صبح روز پنجشنبه 30 دی ماه امسال وقوع آتش سوزی در برج پلاسکو واقع در مرکز تهران آتش نشانان را به خیابان جمهوری کشاند.

ادامه درص ۶

**جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!**

کاندیداتوری ابراهیم رئیسی....

ابراهیم رئیسی یکی از مخاطبان اعتراض آیت الله حسینعلی منتظری به اعدام‌های سال ۱۳۶۷ در فایل صوتی است که انتشار آن پس از ۲۸ سال در ۱۹ مرداد سال جاری سبب محاکمه احمد منتظری شد. ابراهیم رئیسی که در جریان اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ عضو «هیات مرگ» بود، اکنون «دادستان دادگاه ویژه روحانیت» یعنی همان دادگاهی است که فرزند آیت الله منتظری را به خاطر انتشار فایل صوتی به زندان محکوم کرد.

احمد منتظری تصریح کرد که این تنها فایل مرتبط با این اعدام‌ها نیست و احتمال دارد که این فایل‌ها را در آینده منتشر کند. آقای منتظری گفت: «زمانی که وضعیت مساعد شود و مسئولین کشور سعه صدر لازم را پیدا نمایند بقیه فایل‌ها منتشر خواهد شد و فعلاً به میزان قابل توجهی شفاف‌سازی شده است.»

کمپین در روز ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ گزارش داده بود که وزارت اطلاعات خواستار تحویل فایل‌های صوتی از سوی احمد منتظری بود. آقای منتظری به کمپین گفت: «همه این فایل‌ها را می‌خواستند. در آن جلساتی که برای بازجویی می‌رفتم می‌گفتند فایل‌ها را باید تحویل بدهی. من در جواب گفتم و نوشتم که این فایل‌ها، مربوط به شخص من نیست و اموال شخصی نیست. آنها متعلق به کل خانواده آیت الله منتظری است و علاوه بر آن متعلق به تاریخ این کشور است و من نمی‌توانم آن‌ها را به شما تحویل بدهم. از من خواستند که علیه نظام فعلیتی نکنم. من هم گفتم و هم نوشتم که فعالیت من هیچ وقت علیه نظام نبوده است بلکه طرفدار اصلاحات هستم و می‌خواهم اشکالات برطرف شود. آنان در واقع کل فایل‌ها را می‌خواستند تا از میان آنها هرچه را صلاح دانستند انتخاب و نگهداری کنند. اما به نظر من این درست نیست که هر بخشی از تاریخ را می‌پسندیم منتشر کنیم و هر بخشی از تاریخ را نمی‌پسندیم سانسور کنیم. در نهایت قرار شد که فعلاً فایل جدیدی منتشر نشود.»

او از ابتدای دهه شصت در سمت‌های قضائی-امنیتی مشغول به کار بود. در جریان اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ او از اعضای گروه موسوم به «هیات مرگ» بود و درباره مرگ و زندگی زندانیان سیاسی تصمیم‌گیری می‌کرد.

احمد منتظری در مصاحبه با کمپین درباره کاندیداتوری ابراهیم رئیسی گفت: «این مساله بیشتر شبیه یک شوخی است. آقای رئیسی که یک روز هم تجربه کار اجرایی ندارد چطور می‌خواهد رئیس دستگاه اجرایی شود؟ در قوه مجریه شخصیت‌های فراوانی از جناح‌های مختلف سیاسی وجود دارند که بعضاً دهها سال سابقه مدیریت اجرایی دارند. کاندیدا شدن آقای رئیسی توهین به تمامی آن شخصیت‌ها و توهین به ملت ایران است.»

احمد منتظری به کمپین گفت: «شرکت مستقیم و بدون انکار ایشان در کشتار تابستان ۶۷ مساله‌ای بسیار بااهمیت هست. اگر یکی از کاندیداها یکبار به شخصی با چاقو حمله کرده باشد موفق نمی‌شود از مراجع قانونی گواهی عدم سوء پیشینه بگیرد. تکلیف ایشان که کاملاً روشن است.»

سایت و کانال تلگرام بیت آیت الله منتظری ۱۹ مرداد ماه ۱۳۹۵ یک فایل صوتی منتشر کردند که به جلسه ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ آیت الله حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت آیت الله خمینی، با چند تن از مقامات عالی رتبه قضایی و امنیتی موسوم به «هیات مرگ» مربوط است. آیت الله حسینعلی منتظری در این فایل صوتی اعدام‌های مرداد ماه ۱۳۶۷ را جنایت خوانده و گفته است: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند.» در آن جلسه چهار مقام قضایی به اسامی حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی، مصطفی پورمحمدی و ابراهیم رئیسی حضور داشتند و مخاطب آیت الله منتظری بودند. این چهار تن اعضای گروهی بودند که در مورد حیات و مرگ چندین هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ تصمیم‌گیری کردند.

فکر می‌کنم محبتی که این بزرگان نسبت به مرحوم آیت الله العظمی منتظری دارند عامل مهمی بوده است. علاوه بر این، مراجع تقلید از ابتدای پیروزی انقلاب با اعدام‌ها و مصادرته اموال موافق نبودند ولی به هر دلیلی یا ساکت بودند و یا محرمانه انتقاد خود را مطرح می‌کردند؛ و به همین دلیل نسبت به بیت آیت الله منتظری که در راه انجام وظیفه مورد ستم واقع شده‌اند لطف و محبت دارند.”

احمد منتظری که علیرغم حکم رهبر جمهوری اسلامی بازداشت شده بود به کمپین گفت: “وقتی همین مساله را من در دادگاه ویژه روحانیت مطرح کردم آنان گفتند که حکم رهبری به ما ابلاغ نشده بود. البته ما قبلا جریان نامه آقای شبیری زنجانی را رسانه‌ای کرده بودیم و در کانال تلگرام گذاشته بودیم و آنان می‌بایست تحقیق می‌کردند ببینند جریان چیست. من فکر می‌کنم می‌خواستند انتقام بگیرند و مسئولیت هر مجموعه ای با رئیس آن مجموعه است و در این قضیه هم مسئولیت با آقای رئیسی است.”

زهره ربانی املشی، همسر احمد منتظری، یکشنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۹۵ به کمپین گفته بود که علیرغم حکم رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر عدم اجرای حکم زندان، ابراهیم رئیسی بر اجرای این حکم اصرار داشته است. احمد منتظری چهارشنبه، چهارم اسفند ماه ۱۳۹۵ پس از حضور در دادگاه ویژه روحانیت بازداشت و ۲۴ ساعت بعد به مرخصی آمد. اجرای حکم او اما متوقف شد.

احمد منتظری روز شنبه، ۱۹ فروردین ۱۳۹۶ در مصاحبه با کمپین گفت: “مراجع معظم تقلید نسبت به این حکم اعتراض کردند. حضرات آیات عظام وحید خراسانی و صافی گلپایگانی و شبیری زنجانی به صدور این حکم اعتراض داشتند و اعتراض خود را به مسئولین حکومتی اعلام کردند. البته آیت الله العظمی شبیری زنجانی به صورت کتبی اقدام کردند. بالاخره این اعتراض‌ها مورد توجه واقع شد و مقام رهبری نوشته بودند مطابق نظر

شریف آیت الله زنجانی عمل شود و حکم اجرا نشود. من

#### بیاتیه شورای صلح امریکا...

سفیدها) ، و دیگر ان جی او های مورد تامین مالی غربی هستند که به خاطر تبلیغات ” تغییر رژیم ” علیه دولت اسد رسوایند. سیمور هرش محقق پر آوازه مستند کرده است که آخرین حمله بزرگ با گاز سارین منتسب به دولت سوریه توسط گروه های تروریستی با حمایت ترکیه و عربستان سعودی انجام گرفته بود . هرش همچنین مستند کرد که سلاح های شیمیایی توسط سیا و وزارت امور خارجه کلینتون از لیبی به گروه های مورد حمایت امریکا در سوریه منتقل شد

با این حال جریان مسلط رسانه ای هیچ اشاره ای به این امر نمی‌کنند. آن‌ها اصلا پرسش های سختی نمی‌پرسند . آن‌ها هیچ تردیدی را نمی‌پذیرند . آن‌ها دروغ هایی را که از قبل بی اعتبار بوده اند تکرار می‌کنند . آن‌ها بی شرمانه با منابعی مصاحبه می‌کنند که مدت طولانی هورا کشان برای دخالت نظامی در سوریه بوده اند . ما می‌توانیم از حمله جلوگیری کنیم . در ۲۰۱۳ ، موج عظیم تلفن به کاخ سفید و کنگره دست رئیس جمهور اوباما را برای انجام کار “مشابهی” زیر فشار قرار داد . ما پیروزمندان اوباما را از حمله به سوریه در ۲۰۱۳ بازداشتیم .

ما دوباره می‌توانیم آن را انجام دهیم . تلفن را بردارید!

الفرد ال ماردر

او به اتخاذ اقدام هایی تهدید کرد . تصاویر وحشتناکند. رسانه ها به مدت چند روز با تکرار ادعا های تایید نشده ، مقصر دانستن و تکیه بر منابع دارای پیش داوری وارد شیوه هیستری کامل شدند. آیا این خلیج تونکن دیگری است ؟

این بیش از لحظه ای خطرناک است . این یک بحران تام جنگی است . پوشیده نیست که رئیس جمهور ترامپ فردی غیر قابل پیش بینی و اغلب بی اطلاع است . دولت او در اولین ماه های خود تحت فشار اشتباه ها، شکست ها و دست خوش تشویش بوده است . او ممکن است فکر کند که “به یک پیروزی” نیاز دارد . ما باید دولت او را مطمئن کنیم فکر نکند حمله به سوریه می‌تواند یک “پیروزی” باشد . ما ساعت ها ، در بهترین حالت چندروز برای انجام این کار وقت داریم .

ما قبلا این مسیر را طی کرده ایم . ناظران خبره پیش از این یادآوری کرده اند این حمله منتسب به تمامی پرچم دروغین عملیاتی را نشان داده است . دولت سوریه مطلقا هیچ انگیزه ای برای انجام چنین حمله ای ندارد . ( نگاه کنید به Gerry Condon; Patrick Henningsen; and Phyllis Bennis)

گری کوندون ، بعنوان کهنه سرباز صلح ، به صورت عاقلانه ای مشاهده کرده است که منبع گزارش های حمله شیمیایی خود نیروهای شورشی هستند ، رسانه های خود آن ها ، و وایت هلمت ( کلاه

## چشم انداز اقتصاد ایران...

اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق می گوید: درآمد سرانه کنونی در ایران نسبت به سال 1355 حدود 30 درصد کاهش داشته، رفاه مردم نسبت به 40 سال پیش دچار چالش شده، و 45 میلیون شهروند ایران در «تنگنای معیشتی» قرار دارند (سه شنبه اول فروردین 96، در وب سایت «قس آن لاین»)، درآمد سرانه ایران در سال 1977 معادل 2146 دلار بود که این رقم در سال 2012 بعد از سال ها با رشد اندکی به 4525 دلار رسیده، در این مدت درآمد سرانه ترکیه از 1250 دلار به بیش از 11000 دلار رسیده است. آل اسحاق در ادامه تابلوی تیره تری ترسیم می کند و ادامه می دهد: ایران بین 2 تا 8 میلیون نفر بیکار دارد، در شهر های بزرگ دو سوم حقوق صرف اجاره بها و مسکن می شود، بر اساس آمار های دولتی، حدود 40 میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق و نسبی زندگی می کنند و ایران در میان 18 کشور در جهان بیشترین بیکاری را دارد (این تعداد همخوانی با جمعیتی دارد که با انقلاب به جمعیت کشور افزوده شده و رهبری در آرزوی جمعیت 150 میلیونی است)، آل اسحاق باز هم ادامه می دهد: در شرایط کنونی 94 درصد از واحد های صنعتی (تولیدی) در بدترین وضعیت موجود قرار دارند، 70 درصد از واحد های تولیدی کوچک و متوسط تعطیل و یا با 30 درصد ظرفیت مشغول فعالیت هستند، اقتصاد ایران سال هاست که گرفتار تورم، نقدینگی بالا، بیکاری و رکود است، این عوامل به آسیب های اجتماعی، نارضایتی و فساد گسترده در کشور دامن زده است. ایران از لحاظ کسب و کار در رتبه 152 جهان قرار دارد و ارزش پول ملی آن که پیش از انقلاب از معتبرترین واحد های پولی جهان بود به شدت متزلزل و کاهش یافته و در ردیف 3 پول بی ارزش جهان درآمده است، بنابراین گفتار رهبری در ستایش از رژیم و دستاورد های آن با واقعیت موجود همخوانی و همسویی ندارد.

اقتصاد با دستور، فرمان، بخشنامه و واژه سازی های بی محتوا مانند تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و کاربرد ادبیات شیوا پیش نمی رود، اقتصاد به بستر سازی مناسب و مشارکت همگانی نیاز دارد، در کشوری که فساد نهادینه شده، میلیارد ها ثروت آن به یغما می رود، طبقه زحمتکش و کارگر آن از حق تشکل محروم و حداقل حقوق آن از سوی

در این پیام با اشاره به چالش های اجتماعی و اقتصادی و بحران بیکاری، بار دیگر اقتصاد مقاومتی مطرح شد که سال ها است ورد زبان رهبری و نقل و نبات هر محفلی است. در این راستا رهبری سال 94 را اقتصاد مقاومتی، 95 را اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل و امسال را هم سال اقتصاد مقاومتی، تولید و عمل نامید. هنوز چند روزی از این نام گذاری تکراری نگذشته است که نهادها، ارگان ها، بویژه متملقان، چابلسان و کاسه لیسان تابلوی آن را در دست گرفته، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تشکیل داده، با داد و فریاد، معانی مختلفی از آن می سازند و با استفاده از تریبون های مجاز بگوش مردم می رسانند که گویا معجزه ای در راه است و با اجرای اقتصاد مقاومتی همه بحران ها و ناکامی ها برطرف خواهد شد.

رهبری ناگفته های خود را در پیام نوروزی روز بعد در مشهد بر زبان آورد و باز هم به اقتصاد پرداخت ولی این بار همراه با ناکامی و ناتوانی های رژیم در ساماندهی اقتصاد به بزرگنمایی دستاورد ها پرداخت و آماری را هم بر زبان راند که با واقعیت های موجود در جامعه همخوانی نداشت، هرچند این بار نگفت که ما رکورد زدیم ولی گفت که خدمات نظام اسلامی بسیار چشمگیر و در مقایسه با کشور های دیگر بسیار عظیم است زیرا بعد از انقلاب راه ها 6 برابر، ظرفیت بنادر 20 برابر، سد های مخزنی 30 برابر، تولید برق 14 برابر، محصولات پتروشیمی 30 برابر... در زمینه علوم و فناوری تعداد دانشجویان 25 برابر و مقالات علمی 16 برابر شده است و این ها هنر نظام اسلامی است، به نظر می رسد که رهبری در دنیای توهم و خودشیفتگی به سر می برد و هیچگونه اطلاعی از دنیای خارج، کشور های پیرامونی و کشور هایی که هنگام انقلاب، اقتصادی به مراتب ضعیف تر از اقتصاد ایران داشتند ندارد. کشور هایی مانند کره جنوبی، اندونزی، مالزی، آفریقای جنوبی و ترکیه در مسیر توسعه به جایگاه بلندی دست یافتند و درآمد سرانه آنها گاهی به چند برابر ایران می رسد. بنابراین انقلاب که از همان روز های نخست با کارشکنی و خیانت از مسیر خود منحرف شد، نتوانست خواسته های مردم را برآورده سازد و در تمام این مدت بخش مهمی از منابع اقتصادی کشور را با ایجاد بحران، تشویق نظامیگری و شرایط امنیتی بر باد داد، تا جائیکه یحیا آل

ساختمان با منفی ۱۷ و یک دهم درصد روبرو است، در نتیجه هیچگونه گشایشی در کاهش بیکاری صورت نمی گیرد زیرا بخش هایی که توانایی جذب نیروی کار را دارد همچنان راکد و در مانده است. بر اساس گزارش مرکز آمار، سهم صنعت در اشتغال با کاهش از ۳۲ و نیم درصد در سال ۹۴ به ۳۱ و نه دهم درصد در سال ۹۵ رسیده، بیکاری صنعتی در استان های تهران، آذربایجان شرقی و اصفهان که قطب صنعتی محسوب می شوند، افزایش یافته است، هرچند حسن روحانی در گفتار نوروزی خود با بزرگنمایی از عملکرد دولت خود گفت: دولت یازدهم، طی چند سال ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده و اقتصاد ایران به دوران رونق و رشد بازگشته است، اسحاق جهانگیری با رد سخنان وی در سومین همایش دو سالانه بنیاد مطالعات و پیشرفت نصف جهان گفت: در دو سال اخیر با موج جدیدی از متقاضیان کار روبرو بودیم و سالانه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بر شمار بیکاران افزوده شدند... دولت توان مالی برای رفع مشکلات را ندارد، در حال حاضر بودجه کشور صرف پرداخت حقوق کارکنان می شود... بیش از ۱۰۰ شهر و هفت و هشت استان با نگرانی بمود آب روبرو هستند. اقتصاد ایران با ساختار کنونی که در راستای کاهش تقاضا، حذف هزینه و یارانه به تهیدستان و کاهش حداقل دستمزد به بهانه کاهش قیمت تمام شده کالا ( حقوق و دستمزد کارگران زیر ۱۰ درصد از هزینه تولید را تشکیل می دهد ) و مبارزه با تورم، پیش می رود و در راستای خواسته های بانک جهانی و صندوق بین المللی عمل می کند قادر به برون رفت از رکود نخواهد بود، فساد مانند خوره در همه ارکان رژیم نفوذ کرده و ریشه دوانده است، هر روز بخشی از آن افشا می شود، قاسم خورشیدی سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز می گوید: با کشف ۲۵ درصد از کالا های قاچاق در سال ۹۵، حجم آن به ۱۳ میلیارد دلار رسید. به نظر می رسد که علت پائین آمدن میزان قاچاق کاهش تقاضا در بازار داخلی باشد و گرنه نهاد هایی که هم قدرت، هم اسلحه و هم اسکله در اختیار دارند و نهاد های قدرت را هم قبضه کرده اند، به فعالیت های خود ادامه می دهند. بنابراین اقتصاد ایران در سال جدید که همراه با انتخابات ریاست جمهوری است، گرفتار در بحران و سال پر التهابی را از سر خواهد گذراند و رشد اقتصادی همراه با گسترش تنش سیاسی در داخل و روابط بین الملل نه تنها افزایش نخواهد یافت بلکه با ادامه سیاست های انقباضی در اقتصاد و کاهش تقاضا رو به کاهش خواهد گذاشت

کارفرمایان، نمایندگان دولت و خانه کارگر بی خاصیت و زرد، ۹۳۰ هزار تومان تعیین می شود، نمی توان به آینده آن خوشبین بود. زیرا کارگران، زحمتکشان و تهیدستان جامعه گرسنه اند. فریبرز رئیس دانا اقتصاد دان و فعال اجتماعی در گفتگو با « ایلنا، خبرگزاری کار ایران » می گوید: سبد معیشت یک خانوار ۳ و نیم نفری کارگری در ایران ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است و این رقم مبنای علمی دارد، حال چگونه می تواند یک کارگر با این حدا

قل مزد به زندگی با کرامت انسانی ادامه دهد؟ این در حالی است که دزدی و خروج سرمایه از کشور به سرعت و شدت ادامه دارد و محمد رضا خباز از نمایندگان مجلس در گفتگو با خبرگزاری خانه ملت در سال ۱۳۹۲ گفته بود که در ۸ سال گذشته بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده و این روند همچنان ادامه دارد. آخرین نمونه از آن مهدی عزیزیان، قائم مقام سابق آستان قدس رضوی و برادر همسر واعظ طبسی است که با میلیارد ها دزدی از کشور خارج شده است. جعفر صبغیان مسئول دفتر قائم مقام آستان قدس در روز دوشنبه ۷ فروردین به خبرگزاری تسنیم گفت: ابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس ایشان را عزل کرده است، ناگفته نماند که آستان قدس زیر نظر رهبری اداره می شود.

اقتصاد ایران در مدار صفر درجه حرکت می کند، بطور جدی گرفتار روزمره گی است با بهره وری اندک که توانایی خارج شدن از بحران و رکود را ندارد، مسعود نیلی از طرفداران سرسخت لیبرالیسم در اقتصاد که مشاور ارشد رئیس جمهور در امور اقتصادی است، می گوید: رشد اقتصادی ناکافی است، اگر بهبودی در اوضاع صورت نگیرد، رشد اقتصادی در سال های آتی معکوس خواهد بود، این گفتار نشان می دهد که تبلیغات وسیع و گسترده دولت تدبیر و امید روحانی پیرامون رشد اقتصادی و برون رفت از رکود با واقعیت موجود همخوانی ندارد، هرکدام از نهاد ها مانند مرکز آمار، بانک مرکزی و کمیسیون تحقیق مجلس ارقام متفاوتی را منتشر می کنند، پیمان قربانی معاون اقتصادی بانک مرکزی در گفتگو با ایرنا خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصادی را در ۹ ماهه سال ۹۵ با احتساب نفت، ۱۱ و شش دهم درصد اعلام می کند که بدون نفت ۱ و نه دهم درصد است، بخش صنعت ۳ دهم درصد، معدن ۲ دهم درصد و

## تفاقات تلخ و...

شهروند ۵۰ کارتن‌خواب که اطراف و درون گورستان بزرگ نصیرآباد باغستان در حومه شهریار ساکن بودند و دست‌کم ۲۰ گور را اشغال کرده بودند. براساس اطلاعاتی که این روزنامه منتشر کرده بود، در هر گور یک نفر و گاهی هم سه تا چهار نفر زندگی می‌کردند. این گورها عموماً برای خواب مورد استفاده قرار می‌گیرند و در طول روز و زمانی که افراد برای تهیه پول مواد و غذا، ضایعات جمع می‌کنند یا گدایی می‌کنند، خالی هستند اما باید حواسشان به گورشان باشد چرا که از طرف دیگر کارتن‌خواب‌ها مورد سرقت قرار می‌گیرند و ممکن است به پتوهای پاره و لباس‌های کهنه هم رحم نکنند. این خیر در زمان انتشارش به شدت مردم را تحت تأثیر قرار داد.

## کولبری، جهنمی سرد

مرگ چهار نفر از کولبران در سرمای شدید منطقه سردشت از جمله اخباری بود که فراگیر شد. ریزش بهمن در حوالی روستای «بیوران علیا» در ۱۰ کیلومتری شهر سردشت منجر به جان باختن ۴ نفر از کولبران و واردشدن جراحات و آسیب‌هایی به تعداد دیگری از آنان شد. انتشار این خبر موجب شد تا نگاه‌ها متوجه این افراد شود و مشکلات آن‌ها دیده شود. هرچند پاسخ شفافی برای پیگیری وضعیت آن‌ها از سمت مسئولان داده نشد.

## شیرینی گذشت

از جمله اتفاقات خوب سال ۹۵ می‌توان به کاهش میزان صرف نظر از قصاص اشاره کرد. غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضاییه در ۱۱ ماهه امسال به ۲۳۰ مورد اشاره کرده است که به طور کامل از حق قصاص‌شان صرف‌نظر کرده‌اند. به گزارش ایسنا، محسنی اژه‌ای در این باره گفته بود: «کسی که صلح می‌کند هم خودش سود می‌برد و هم طرف مقابل. در سال ۹۵ تا آخر بهمن ماه با زحمات شوراهای حل اختلاف که در زندان‌ها و استان‌ها با کمک سایر دستگاه‌ها انجام شد، از کسانی که حکم قصاص و سلب حیات برایشان صادر شده بود، در حدود سیصد نفر در پی گذشت از قصاصند که از این تعداد نزدیک به ۲۳۰ نفر از حق قصاص‌شان به طور کامل صرف نظر کردند و تعدادی هم در

آتش سوزی که از طبقه هشتم این ساختمان آغاز شده بود موجب شد تا کل این ساختمان پس از چند ساعت به طور کامل فروبریزد. شدت حادثه به حدی بود که عبور و مرور در خیابان‌های اطراف را دچار مشکل و اختلال کرده و دود ناشی از حادثه، آسمان منطقه را هم فراگرفته بود. در اثر ریزش این ساختمان ۱۶ آتش‌نشان جان خود را از دست دادند و کنترل آتش سوزی و آوار برداری این ساختمان ۹ روز به طول انجامید. گفتنی است بیش از ۲۰ هزار تن آوار از این منطقه جمع آوری شد. همچنین تشییع جانباختگان صبح یازدهمین روز از بهمن ماه در مصلى امام خمینی (ره) در میان ازدحام جمعیت برگزار شد.

## روی ریل مرگ

پیش از این در آذرماه نیز برخورد قطار در محور سمنان - دامغان یکی مرگبارترین حوادث ریلی ایران را رقم زد. دو قطار مسافربری در حوالی ایستگاه هفت‌خوان در محور سمنان - دامغان با یکدیگر برخورد کردند. این حادثه ۷:۲۲ صبح به وقوع پیوست؛ قطار سمنان - مشهد از پشت به قطار تبریز - مشهد که در همان ریل متوقف بود، برخورد کرد. در این حادثه ۴۷ نفر از هموطنانمان کشته و ۱۰۳ نفر نیز مصدوم شدند.

## وقتی سیل آمد

از نگاه هواشناسی سال گذشته سال پربارش و عجیبی بود. برف، باران و سیل‌های عظیم در مناطق مختلف کشور رخ داد و سال سختی را در راه‌های کشور و همچنین برای مردم رقم زد. سیل بیشتر در مناطق جنوبی رخ داد؛ در جهرم و اهواز مدت طولانی سیل بارید. سیلاب‌های ناشی از طغیان رودخانه کارون به اهواز رسید و اهالی چند روستای این شهرستان را با سیلاب درگیر کرد. شهرستان جهرم نیز به دلیل شکسته‌شدن سد «محمدآباد» گرفتار این بلای طبیعی شد. بعد از بارش باران، حجم آب زیادی وارد این سد شد که به موجب آن قسمتی از سد شکسته و آب آن تخلیه و وارد شهر جهرم شد.

گورخوابی، پدیده‌ای نو در دی ماه سال ۱۳۹۵ خبری از کارتن‌خواب‌هایی که در قبر می‌خوابند در رسانه‌ها منتشر شد.

براساس گزارش روزنامه

یافت. هیچ مورد خاص و نگران‌کننده‌ای نیست و همه چیز آرام است و آنچه ما رویت کردیم تهدید خاصی برای ما محسوب نمی‌شد.» اتفاقی مشابه پیش از این نیز در ظهر جمعه سوم دی روی داده بود.

#### اهواز هوا ندارد

گرد و غبار نیز یکی از بخش‌های جداناپذیر کشور در سال گذشته بود. استان خوزستان در مرکز حملات همه جانبه هوایی این ذرات بود و نفس کشیدن را برای مردم این دیار با مشکل روبه‌رو کرد. بسیاری از مسئولان به این استان به کردند اما نتیجه‌ای به همراه نداشت چرا که این استان به مرکزیت اهواز با مشکلات بزرگتری رو به رو بوده و با تلاش‌های چند روزه، چند ماهه و حتی چند ساله به نتیجه مطلوب آن محقق نمی‌شود.

شرف مراحل اداری است. می‌بینید اگر این تعداد از اعدامشان صرف نظر شود چه آثاری در جامعه دارد.»

شلیک در آسمان تهران

شاید شنیده شدن صدای شلیک ناگهانی در تهران را بتوان در لیست اتفاقات جالب کشور قرار داد. صدای شلیک از منطقه میدان انقلاب در سراسر تهران شنیده شد. عصر بیست و هفتمین روز دی ماه یک فروند پهپاد به محور پرواز ممنوع تهران وارد شد و پس از شلیک پدافند هوایی از این منطقه خارج شد. معاون قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) همان زمان در گفت‌وگویی کوتاه اعلام کرد: «پدافند پس از رویت این ریزپرنده شلیک خود را آغاز کرد اما پس از خارج شدن آن از محدوده پرواز ممنوع برای تامین امنیت مردم تیراندازی خاتمه

## آزاد سازی حقوق کارگران مهاجر طرحی علیه سطح دستمزدها



تخصصی‌شان را معادل مدرک آلمانی کرده‌اند، حداقل دستمزد تعلق نگیرد. این اقدام بدون این‌که نیازی به تغییر قانون داشته باشد به تصویب ارگان‌های یاد شده رسیده است. در آغاز سال ۲۰۱۶، کمیسیون علوم مجلس آلمان یک استثنا کلی به ضد منافع پناهندگان در نظر گرفت. این در حالی است که حق برخورداری از دریافت حداقل دستمزد به عنوان یک قانون قابل اجرا استثنا ناپذیر برای همه در قانون اساسی مشخص گردیده است. این پس رفت می‌تواند تعادل و سه جانبه‌گرایی در بازار کار را به خطر بیندازد. هدف دولت از این پیشنهاد ایجاد تفرقه میان کارگران و

از این راه در وهله اول شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به اهدافشان می‌رسند تا تعداد بیشماری از کارگران ارزان قیمت را در اختیار داشته و دستمزدی پایین‌تر از حداقل دستمزد قانونی پرداخت کنند».

اشاره: حضور پناه جویان و مهاجران در کشورهای مختلف، به ویژه اتحادیه اروپا با تبلیغات خصمانه و واکنش مغرضانه رسانه‌های همگانی غرب و حزب‌های ماوراء راست همراه بوده است. نکته پر اهمیتی که در تبلیغات امپریالیسم خبری نشانی از آن در زمینه زندگی و کار مهاجران نمیتوان یافت، نیروی کار ارزان ایشان برای شرکت‌ها، موسسات و انحصارهای فراملی است. گزارشی که در زیر به خوانندگان ارائه می‌گردد، گوشه‌ای، و فقط گوشه‌ای از سیاست دولتهای سرمایه‌داری و انحصارات امپریالیستی بهره‌مند از نیروی کار ارزان پناه جویان و مهاجران را افشا میکند.

دولت آلمان در صدد است که در رابطه با حداقل دستمزد نسبت به پناهندگان استثنا قائل شود. بنابر مذاکراتی که در وزارتخانه‌های آموزش، دارائی و کار صورت گرفته است، قرار است برای پناهندگان و مهاجرانی که مدارک کاری و

تخصصی و یا آموزشی در کشورشان شرکت کرده بودند که بنابر دلایلی نتوانسته بودند به اتمام برسانند. مدارک بسیاری از این پناهندگان معادل مدرک آلمانی شناخته نمی‌شود، ولی در صورت یافتن کار می‌توانند در رشته مورد نظرشان کار کنند.

مصوبه بین سه وزارت خانه یاد شده، الگویی را به کارفرماها نشان می‌دهد که چگونه کارفرماها می‌توانند با استفاده از این تصمیم دولتی حداقل دستمزد را زیر پا گذاشته و از این نیروی کار ارزان سود ببرند. در صورتی که یک کارگر نجار سوریه‌ای نتواند پس از ۹ ماه کارآموزی مدرک تخصص خود را ارائه بدهد، قانون حداقل دستمزد شامل حال او نخواهد شد. آقای استقن کزل یکی از اعضا هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگری آلمان نسبت به این پیشنهادات و تصمیمات اعتراض نموده و به حق می‌پرسد که چرا قبل از ۹ ماه دوران کارآموزی، صحت و یا عدم صحت مدارک به اطلاع افراد نمی‌رسد.

فشار کاری و روحی بر پناهندگان و مهاجران بسیار بالا است؛ برای آنان بسیار سخت و دشوار است تا کار مورد نظرشان را پیدا کنند. بنابر آمار موسسه پژوهشی بازار کار و مشاغل آلمان؛ از دسامبر سال ۲۰۱۵ تا نوامبر سال ۲۰۱۶ فقط ۳۴۰۰۰ نفر از ۸ کشور خارج از اروپا موفق به یافتن کار شدند که ۲۲ درصد از این افراد با قراردادهای موقت و از طریق شرکت‌های دلال به کار گمارده شده‌اند.

ترس و نگرانی از آینده نامعلوم، نداشتن اقامت دائم و خطر اخراج از کشور آلمان، از عوامل تأثیر گذار بر پناه جویان است تا هرگونه شغلی را با کمترین دستمزد بپذیرند. تنها راه جلوگیری از این بی‌عدالتی‌ها، همبستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان است. ابراز همبستگی کارگران و زحمتکشانی که شرایط ظالمانه کارگران مهاجر و پناه جو را ندارند.

برگرفته از نشریه عصر ما، سایت آلمانی زبان د - کا - پ ترجمه از پرویز کوشا فر

زحمتکشان و سرکوب مزدی آنها است. بر خلاف استقبال کارفرمایان از این پیشنهاد، اتحادیه سراسری سندیکاهای آلمان اعتراض خود را نسبت به این نقشه اعلام می‌کند. سیاست حزب "گزینه‌ای دیگر برای آلمان" بر پایه فریب تودها قرار گرفته است. رهبر این حزب دست راستی "آقای جورج یازدرسکی" گفته بود: "از این راه در وهله اول شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به اهدافشان می‌رسند تا تعداد بیشماری از کارگران ارزان قیمت را در اختیار داشته و دستمزدی پایین‌تر از حداقل دستمزد قانونی پرداخت کنند". همین حزب چندی پیش خواستار از میان برداشتن "حداقل دستمزد" و آزاد سازی دستمزدها شده بود، زیرا برنامه این حزب اساساً بر مخالفت با قانون کار و خارجی سنیزی و ایجاد تفرقه بین زحمتکشان قرار دارد. بر خلاف این حزب، حزب چپ [و سایر نیروهای ترقی خواه، حزب کمونیست آلمان و سندیکاهای کارگری] مخالف سر سخت سرکوب مزدی است. خانم سارا واگن کشت مسئول یکی از فراکسیون‌های این حزب خواستار متوقف نمودن این قانون ضد کارگری از طرف دولت شده است.

البته پناهندگان و مهاجرانی که از پاسپورت و یا اجازه اقامت برخوردار هستند شامل این استثنا نمی‌شوند. بنابر آمار اعلام شده از طرف خبرگزاری اداره کار، در پائیز سال گذشته [۲۰۱۶] ۴۷۵۰۰ نفر غیر اروپایی وجود دارند که شامل استثنا یاد شده می‌شوند. همچنین باید از مهاجرانی که از دیگر کشورهای اروپایی [کارگران لهستانی، یونانی، پرتغالی، ایتالیایی، اکراینی و...] هستند نام برد که این استثنا شامل حال آنها نیز خواهد شد. یعنی عدم برخورداری از دریافت حداقل دستمزد. در مجموع این سرمایه‌داران هستند که از این مصوبه سود خواهند برد.

بنابر نظر سنجی موسسه پژوهشی بازار کار و مشاغل، ۱۳ درصد پناهندگان دارای مدرک تحصیلی بالا و شش درصد دارای مدرک به عنوان کارگران مجرب و آزموده هستند، همچنین تعداد زیاد دیگری از این پناهندگان در یک رشته



## پیران بی پناه سرزمین ما

## صادق شکیب

ما نگرفت . در محل کار از دو سه تا از همسایه ها که نگیهان در کارگاهشان ندارند توقع پول مختصری دارد . حالت یأس ، نگرانی و اضطراب از حرکات و رفتارشان نمایان است . چند روز پیش خیلی ناراحت و پریشانحال بود، می گفت : دنبال یه اتاق خالی میگردم ، که برم و تنها زندگی کنم . تو خونه با زن و بچه هام سلوکم همیشه همش سرکوفتم می زنند . اگر تنها باشم راحتترم . می گویم : پدر جان تنهایی برای تو اونم تو این سن و سال سخته . جواب می دهد : تمام عمرم که تو غربت برای سنگ تراشی می رفتم تنها بودم پسر . می پرسم همسرت دیگه چرا؟!.....اون چرا بات خوب تا نمی کنه؟ با صدایی خفه جواب می دهد : زنم برای بچه ها کار های شست و شو و پخت و پزشونو انجام می ده . اوناهم ای..... کم و بیشه به زنم می رسند . منو نونخور اضافی میبینند . میدونی جون، بچه های من آخر و عاقبت خوبی نخواهند داشت . منی که همیشه به پدرم خدمت می کردم ، این حال و روزمه . ببین اونا دیگه به چه روزی بیفتن . دفعتم می گوید : الآن صاحب کارم میرسه و باهام دعوا می کنه . ته مانده ی چایش را با عجله هورت میکشود بلند میشود و می رود .

انسان متأثر می شود . آدمی که بیشتر از پنجاه سال دور از خانه و خانواده ، شهر و دیار خود کار کرده و جان کنده است و تمام عمرش با رنج و محرومیت گذشته ، در روزگار پیری هم برای یک لقمه نان ، شب ها باید بی خوابی بکشدو نگیهانی بدهد . پیری و نداری.....پیری و درد های مزمن .....پیری و ناامیدی .....پیری و سر افکنگی در مقابل زن و بچه هایش . فرجام و عاقبت گریز ناپذیرانسان زحمت کشی است که هیچ حامی و منزلتی در جامعهی سرمایه داری ندارد .

جنب کارگاه محل کار من پیرمردیست هفتاد و پنج ساله لاغر اندام ، با قدی بلند ، چشمهای درشت آبی رنگ که نسبت به هم سن و سالانش، چابکتر و فرز تر به نظر میرسد . با پوستی سفید و رنگ پریده و پراز چین و چروک و زندگی پر مشقت و سراسر رنجی که او را پیرتر و شکسته تر از آن چه هست ، مینمایاند .

عصر ها که کارگاه تعطیل میشود، چند دقیقه ای با او هم صحبت میشوم . از زندگی اش میگوید . همه جور کاری کرده ، از قابلیت ها و توانایی کاری اش در زمینه ی کار ساختمانی می گوید، که به علت پیری دیگر قادر به انجام آن نیست .

با این همه با سماجت اصرار دارد : اگر کار باشد می کنم . فعلاً شب ها به نگیهانی در کارگاهی مشغول است . از این بابت ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان می گیرد . یعنی برای حداقل ۱۲ ساعت نگیهانی هر ساعت ۶ هزار تومان میگیرد . بدون تعطیلی ، بیمه و مزایای دیگر . از وضعیت زندگی اش به شدت ناراضی است . می گوید : بچه ها نه تنها دردی از من دوا نمیکنن ، خودشون هم درد میزارن رو دردم . می گن بعد مردنت از مال دنیا هیچی نداری که برامون بذاری . گویا همسرش هم طرف بچه ها را میگیرد . آهی از ته دل میکشد ، پکی محکم به سیگاری که من مهمانش کرده ام میزند و دودش را با ولع می بلعد و میگوید : خدا آخر و عاقبتمونو به خیر کنه جون . در همین گفته هم تردید دارد ..... اینکه به خیر خواهد شد یا نه ؟ پس از لحظاتی سکوت ادامه میدهد : نمی دونم کار دنیا چه جور یاست . یکی از بچه هام درس خونده و مهندس . اما اصلاً سراغی از ما نمی گیره . این شب عیدی هم خبری از

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

## تاملی در چگونگی رویکرد ترامپ به ایران آرون دیوید میلر



مخرب و نفوذ منطقه‌ای ایران را به نحو تعیین‌کننده و اثرگذاری به چالش بکشاند و به عقب براند؟ رفتارهای متکبرانانه اگرچه ممکن است احساس خوبی برای دولت ترامپ به همراه بیاورد، اما چنین گزینه‌هایی محدود نیز هستند. ایران کشوری برخوردار از موقعیت بسیار خوب ژئوپولیتیک، مولفه‌های قابل توجه جمعیتی و حمایت متحدان منطقه‌ای توانمند و متعهد است. این‌ها موجب شده‌اند احتمال کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران پایین بیاید.

در عراق نیز آمریکا برای شکست داعش به همکاری با ایران و قدرت جنگی شبه نظامیان شیعه وابسته به ایران نیاز دارد. ایران بر همکاری آمریکا با دولت عراق نیز سایه انداخته است؛ به این علت روشن که دولت عراق، شدیداً تحت تأثیر ایران است. اولویت نخست ایالات متحده و نیروهای نظامی عراق آزادسازی موصل و جلوگیری از ورود داعش به سایر مناطق این کشور است. در شرایط فعلی جنگ نیابتی با ایران آخرین چیزی است که آمریکا به آن فکر می‌کند؛ جنگی که ایران در آن تبحر زیادی پیدا کرده است و آمریکا را با سختی بسیار رو به رو خواهد کرد. از این رو جای تعجب نیست که برخی در وزارت دفاع آمریکا نسبت به طرح شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک سازمان تروریستی هشدار داده‌اند. این اقدام به صورت کاملاً قابل پیش بینی نیروهای آمریکایی مستقر در عراق (و سراسر خاورمیانه) را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد.

در سوریه نیز آمریکا به یک مهره مخالف ضعیف و آشفته تبدیل شده است. آن هم در برابر ایرانی که سرمایه و متحدان بیشتری - از جمله نیروهای نظامی نیابتی و قدرتمند شیعی در

تحلیلگر ارشد و مذاکره کننده و نویسنده آمریکایی با تمرکز بر مسائل خاورمیانه است. میلر هم اکنون مدیر مرکز بین المللی وودرو ویلسون برای اندیشمندان است. او همچنین مشاور ارشد وزارت امور خارجه در دولت های جمهوریخواه و دموکرات بوده است.

آرون دیوید میلر - وقتی مایکل فلین در ماه گذشته و در پی آزمایش موشکی ایران، رسماً به حکومت این کشور هشدار داد، نخست وزیر اسرائیل در این میان شادمان بود. گرچه به گفته مارتین ایندیک با استعفا فلین ( مشاور امنیت ملی برکنار شده آمریکا)، نتایجی از همکاری خود در امور ایران را از دست داد، اما با این حال او هفته گذشته به این امید به واشنگتن آمد تا از پشتیبانی دولت «دونالد ترامپ» از موضعی سفت و سخت علیه ایران اطمینان حاصل کند. نتایج با این اطمینان کاسخفید را ترک کرد که دولت ترامپ با رویکرد جدی‌تری سیاست‌های منطقه‌ای ایران را به چالش می‌کشاند.

اما پیش از آنکه کاخ سفید شعارهای خود را به واقعیتی عینی روی زمین تبدیل کند، لازم است میزان منطقی و عملی بودن ایده کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران را بررسی کند؛ آنهم بر اساس شعار «اول آمریکا» - شعار اصلی ترامپ در دوره انتخابات - نه فقط با در نظر گرفتن منافع اسرائیل. همچنین لازم است که با ریزبینی، منافع سیاست تقابلی در مقابل ایران و هزینه‌های بالقوه، خطرات و عواقب آن را نیز مدنظر قرار دهد. به احتمال فراوان، سیاست سختگیرانه علیه قدرت‌نمایی ایران در منطقه، به علل زیر، کارآمد نخواهد بود؛

در تلگرام بخوانید

آمریکا باید ایران را به علت آزمایش موشک‌های بالستیک که قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض کرده است تحریم کند و در عین حال، ایران را نسبت به تعهدات هسته‌ای خود پاسخگو نگه دارد. واشنگتن همچنین باید تحریم‌هایی که ضد گروه حزب‌الله لبنان وضع شده است را اعمال کرده و این گروه را به دلیل اقدامات تروریستی‌اش مجازات نماید. اما آیا دولت آمریکا اراده، ظرفیت و متحدانی دارد که بتواند رفتار

حمایتش از رژیم جنایتکار اسد، بازخواست خواهد کرد، حرف نزد.

در حالی که به نظر می رسد، تمایل آمریکا برای شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان سازمانی تروریستی رو به افول است، دولت ترامپ همچنان باید ایران را به خاطر حمایت بی وقفه از حوثی ها به چالش بکشد. ژنرال جیمز ماتیس، وزیر دفاع دولت ترامپ، و مایک پومپ، رییس سازمان سیا، ایران را جدی ترین تهدید منافع ایالات متحده در منطقه می دانند. با این حال دولت ترامپ خویشتنداری غیرقابل انتظاری نسبت به ایران به خرج داده است. اما با این حال نتانیاهو امیدوار است که از ملاقات خود با ترامپ به منظور تحکیم استقامت کاخ سفید در مقابل ایران استفاده کند. چه باید کرد؟

البته رفتار ایران نیز همیشه غیرقابل پیش بینی است و این وضعیت می تواند با یک رفتار تحریک آمیز از سوی ایران تغییر پیدا کند، برای مثال اگر قایق های تندروی ایرانی برای کشتی های آمریکایی مزاحمت بیافرینند، احتمال پاسخی تند از سوی دولت ترامپ بالاست. اما به هر حال موضع گیری سخت علیه ایران بدون اندیشه به عواقب چنین سیاستی و اینکه آیا این سیاست بدون به خطر انداختن دیگر منافع و اولویت های مهم آمریکا به هدف می رسد یا خیر، امری خطیر و پرریسک است. روشن ساختن آتش جنگی بدون پیروزی، اعتبار آمریکا را بیش از پیش به چالش خواهد کشید و دولت ترامپ را با تردید-هایی جدی مواجه خواهد ساخت. تشکیل جبهه ای ضدایرانی با همراهی اعراب نیز ممکن است یک جاه طلبی بزرگ اسرائیل باشد، اما ایران نیز قدرتی غیرقابل چشم پوشی در منطقه است که مهار آن کار دشواری است، چه رسد به اینکه بتوان آن را به عقب راند. این هزینه ای است که واشنگتن و مردم آمریکا حاضر به پرداخت آن شده اند.

برجای حمایت کورکورانه از منافع اسرائیل، یک سیاست عاقلانه و منطقی از ماجراجویی-های ضدایرانی جلوگیری می کند. شکست داعش، حفظ دسترسی به نفت، و جلوگیری از اشاعه سلاح-های کشتار جمعی، می تواند از اولویت های ایالات متحده باشد و در این راه می توان بر مهار ایران تمرکز کرد. در محوری دیگر، مانند مقابله با ترورهای

سراسر منطقه و واحدهای حزب الله - دارد. همچنین حضور نظامی روسیه نیز مزیت فوق العاده ای برای ایران به همراه آورده است و جبهه حامیان دولت بشاراسد را تقویت کرده است. از همه مهمتر، حفظ حکومتی علوی در دمشق و بازماندن پنجره ای به سمت لبنان برای منافع جمهوری اسلامی ایران حیاتی است. تا زمانی که اولویت دولت ترامپ شکست داعش در سوریه، اطمینان از مشارکت روسیه در این جنگ و حفظ توافق هسته ای با تهران باشد، طبیعی ست که تمایلی برای رویارویی با ایران در سوریه وجود نداشته باشد.

در یمن نیز ایران با شورشیان حوثی همدل و هم پیمان است. حوثی ها جنگجویان خشنی هستند که با ابراز حمایت از رژیم سابق یمن، در پی کسب منافع سیاسی هستند. بمباران های غیرمسئولانه و بی اثر عربستان در یمن تنها موجب افزایش محبوبیت حوثی ها و ایران و تقویت موضع آنان شده است. ایالات متحده باید به این بیاندیشید که برای مهار ایران در منطقه دقیقاً چه برنامه ای دارد؟ حمایت فزاینده واشنگتن از عملیات هوایی عربستان تصویر مخدوش آمریکا را لکه دارتر خواهد کرد. راست آن است که حمایت آمریکا از جناحی یمنی در مقابل جناحی دیگر که حوثی ها باشند، ایالات متحده را در دام جنگ داخلی کثیفی گرفتار کرده است، بی آنکه فایده ای نیز از آن متصور باشد. واقعیت آن است که توقف اجباری و به عقب راندن کشتی های نیروی دریایی ایران که به یمن سلاح منتقل می کند، خیلی بعید است که موثر باشد و حتی خطر رویارویی جدی ایران و ایالات متحده را می تواند به دنبال داشته باشد. واقعیت آن است که تنها منفعت حیاتی آمریکا در یمن نابودی القاعده در شبه جزیره عربستان است که این هم در حوزه منافع مشترک با ایران قرار می گیرد.

آیا ترامپیست ها قادر به درک این واقعیات هستند؟ هنوز زود است در این باره قضاوت کنیم، اما با وجود سخنان مهیج ضد ایرانی ترامپ، هنوز عملکرد ایالات متحده با سخنان او مطابقت ندارد. بعد از صحبت های او در مبارزات انتخاباتی که گفت او از توافق هسته ای با ایران فاصله خواهد گرفت، رییس جمهوری، حداقل در شرایط فعلی، تصمیم گرفته است با این توافق کنار بیاید. وقتی هم که فلین به ایران هشدار می سخت داد، او کلمه ای در مورد اینکه ایران را به خاطر

شاید مهمتر از هر چیزی، دولت ترامپ نیازمند آن باشد که درباره اهداف خود در منطقه و سیاست سختگیرانه خود در برابر ایران عمیقاً اندیشه کند. آیا تحریک ایران برای آغاز جنگی گسترده‌تر (در منطقه) و یا تعدیل رفتار ایران خارج از چارچوب توافق هسته‌ای به هر قیمتی، برای دولت ترامپ میسر خواهد بود؟ شاید چنین اقدامی اهرم آمریکایی برای کسب گزینه‌هایی بهتر در مذاکره مجدد توافق هسته‌ای را تقویت نماید. مگر اینکه دولت در دامنه نگرش هایش نتیجه این سیاست را روشن و واضح ببیند و نقشه راه مناسبی داشته باشد، در غیر این صورت و وقتی که منافع حیاتی آمریکا در خطر نیست، سختگیری و ستیزه جویی در مصاف با تهران فقط وضعیت را بدتر می‌کند.

منبع: نگاه نو

جهادیت-های سنی، حفظ ثبات در عراق و حفظ توافق هسته‌ای - تا زمانی که ایران به آن متعهد است - با ایران می‌توان همکاری کرد. به هر حال باید در نظر داشت که یک سیاست عاقلانه از درگیری بیشتر در درگیری-های کثیف منطقه‌ای ابا می‌کند.

بنابراین یک رویکرد اثربخش آمریکا در برخورد با ایران می‌تواند این باشد که آمریکا از شرکا و متحدانش در برابر حملات ایران دفاع کند، برای حمایت از آزادی کشتی‌رانی در خلیج فارس از اجبار لازم و ضروری استفاده کند، به حملات تروریستی از سوی ایران یا حملاتی که به پشتیبانی این کشور علیه تاسیسات یا نیروهای آمریکایی ممکن است صورت گیرد، پاسخ دهد و یا از آنها پیشگیری کند و برای جلوگیری از نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران نیز از زور استفاده کند.

### خانه ای برای رفاه کارگران نگاهی تاریخی به پیدایش موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی نویسنده: سینا چگینی



نیروهای فعال در اقتصاد کشور است تا از این طریق بتواند به ایجاد نظامی بهتر برای حفاظت از حیات، سلامت و دوران فراغت نیروهای کار در ایران بپردازد.

در این یادداشت نگاهی می‌کنیم به زمینه‌های تولد، رونق، فقرت و در نهایت بازگشایی دوباره این نهاد. پیدایش و نسل اول شاید مهمترین فردی که به عنوان بنیانگذار این موسسه در ذهن همگان باقی مانده است کسی نیست جز مهدی کرباسیان.

مهدی کرباسیان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در دهه هفتاد بود. اما در این میان و با توجه به روند رو به افزایش میزان نیروهای کار در کشور، او ضرورت تاسیس موسسه‌ای تحقیقاتی را که در خصوص حیات و معیشت کارگران ایران

جالب است که در جامعه فعلی ما که در بخش‌های مختلف آن دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مختلف مشغول به کار هستند، برای کارگران این جامعه که طبق آمارها جمعیتی بالغ بر 40 میلیون نفر با خانوارهای مرتبط را تشکیل می‌دهد، هنوز پژوهشکده‌ای مستقل وجود ندارد.

در اوایل سال 1371 نهادی در تامین اجتماعی کشور به وجود آمد که طی دو دهه بعد نقش مهمی در شکل‌گیری بخش مهمی از تحقیقات اجتماعی و اقتصادی درباره جامعه ایران ایفا کرد: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی. این موسسه خود از دل سازمانی بیرون آمد که مهمترین نهاد حمایتی از نیروهای کار و طبقه کارگر ایران در داخل مناسبات رسمی حاکم بود. موسسه در ابتدا با دارایی محدودی بالغ بر 50 میلیون تومان شروع به کار کرد. هرچند اساسنامه این موسسه در سال 1374 به تصویب نهایی رسید، اما از مدتی پیش این موسسه کار خود را آغاز کرده بود. مطابق اساسنامه هدف اصلی این موسسه کمک به انجام تحقیق در خصوص وضعیت تامین اجتماعی کشور و به طور خاص بررسی آخرین گزارش‌ها و بررسی‌ها در خصوص وضع طبقه کارگر و

موجب تغییرات نسبتاً گسترده‌ای برای بهبود وضعیت نیروهای کار در جامعه ایران آن زمان باشد.

مهدی کرباسیان در این خصوص نیز می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در شرایط جنگ و محدودیت‌های شدید اقتصادی سازمان تامین اجتماعی هیچ‌وقت نتوانسته بود که نقش اساسی خودش را در حمایت از کارگران، مستمری‌بگیران و بازنشستگان انجام بدهد. در نتیجه در دستور کار ما قرار گرفت تا تسهیلاتی در چارچوب قانون فراهم آوریم به نحوی که بتوانیم رضایت نسبی کسب کنیم و برای این رضایت نسبی به منابع درآمدی سازمان نیاز داشتیم که این مسئله را انجام چند اقدام به طور همزمان بود.

1. تا آن زمان اگر کارفرما پولی پرداخت نمی‌کرد هزینه‌ای هم نداشت و جریمه‌ای نمی‌گرفتند چون بر اساس قانون جریمه تأخیر دیرکردی را شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده بود. بر این اساس، مابیش‌نویس لایحه‌ای را تدوین کردیم. تلاش بسیار صورت گرفت و حمایت دولت و مدیریت بسیار خوب مجلس به ویژه آقای ناطق‌نوری را داشتیم. بعد توانستیم با تکتک اعضای محترم شورای نگهبان صحبت کنیم و نهایتاً قانونی تصویب و در نتیجه منابع درآمدی هم اصلاح شد.

2. بحث سیستم سرمایه‌گذاری و وصول طلب ما از دولت بود که دیدیم دولت برای پرداخت طلب ما بودجه‌ای ندارد تا به صورت نقدینگی به ما بدهد. از این‌رو، ما با همه حمایتی که از ریاست‌جمهوری داشتیم تبصره‌ای را در مجلس پیشنهاد کردیم که خوشبختانه مجلس، هیات‌رییسه مجلس و ریاست مجلس حمایت کردند.

ریاست‌جمهور جناب آقای هاشمی رفسنجانی شخصا اجازه دادند. از این‌رو بدون مجوز دولت در مجلس مطرح شد و در آنجا قرار شد واحدهای مختلفی که موردنظر ما است از دولت دریافت کنیم و سرمایه کلانی که در اختیار سازمان قرار گرفته بابت طلب‌هایی است که از دولت وصول شد و بنیانش از آنجا شروع شد و به نظرم در کنار تمام کارها از مهم‌ترین کارهای انجام شده بود»

اما در کنار تاسیس نهاد تامین اجتماعی، این نهاد نیازمند موسسه‌ای بود تا بتواند از یک سو آخرین پژوهش‌های مربوط به کار و کارگران را در سطح جهانی به داخل کشور منتقل

به تحقیق بپردازد، بیش از پیش حس می‌کرد. کرباسیان در این خصوص می‌گوید:

«بعد از اینکه در بهمن‌ماه 1370 توسط هیات‌وزیران با تأیید و حمایت ریاست‌جمهور وقت جناب آقای هاشمی رفسنجانی انتخاب شدم چند برنامه را در دستور کارم قرار دادم. شورای برنامه‌ریزی مشورتی ایجاد کردم و از صاحب‌نظران خواستم تا برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت سازمان را بررسی کنند. در این مدت با چند مشکل در سازمان مواجه شدم.

نخست، سازمان تامین اجتماعی نیاز جدی به اصلاح ساختار داشت. چه ساختار نیروی انسانی، چه ساختار آیین‌نامه‌ها و مسائل جاری. دوم، ارتباطی موثر بین ما با بیمه‌شدگان تامین اجتماعی به ویژه کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران که در حقیقت جزو سهامداران اصلی سازمان هستند وجود نداشت. سوم، نداشتن ارتباط دوطرفه، نبود اطلاع‌رسانی و ابهام. چهارم، ما نمی‌توانستیم حمایت کل مجموعه را داشته باشیم».

طبق صحبت‌های کرباسیان به عنوان بنیانگذار موسسه، می‌توان پی برد که در آن زمان نهاد تامین اجتماعی نیاز به شناخت گسترده‌تری از نیروهای کار و نیازهای آن در ایران داشته است تا بر مبنای این شناخت، بتواند برنامه‌ریزی بهتری برای ارائه خدمات حمایتی از کارگران و نیروهای تولید کشور ارائه و اجرا کند. اما حرف کرباسیان از درون یک منطقی ضروری موجود در واقعیت اجتماعی سیاسی در جامعه ایران نیز خبر می‌دهد.

در ایران اوایل دهه هفتاد، تشکل‌های متنوع کارگری هنوز پا نگرفته بود. در چنین شرایطی که نهادهای مدنی و برون حاکمیتی حامی کارگران در کشور کم‌رنگ بودند، توسل به نهاد تامین اجتماعی به عنوان نهاد حامی کارگران در درون حاکمیت، شاید از معدود گزینه‌های ممکن برای دفاع از نیروهای کار در کشور بود. به بیان ساده، در وضعیت ضعف نهادهای و میانجی‌های مستقل و مدنی مهم‌ترین طریق برای کمک به طبقه کارگر ایران استفاده از پتانسیل نهادها درون مناسبات حقوقی و قانونی موجود بود. از این جهت نهاد تامین اجتماعی به منزله مهم‌ترین میانجی مشروع میان کارگران و ساختار اقتصادی و سیاسی موجود می‌توانست

دریافت می‌شد اما ابعاد و دلایل این شکایات و پیشنهادهای شاکیان مشخص نبود. به همین دلیل موسسه طرح تحقیقاتی میزان رضایت کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی را تدارک دید و مورد بررسی قرار داد.

این سوال نیز مطرح بود تا چه اندازه ساختار سازمان تامین اجتماعی با هدف‌ها و راهبردها هماهنگ است که برای پاسخ به آن یکسری سوالات تطبیقی در خصوص تامین اجتماعی در سایر کشورها شکل گرفت. در آن دوره، به منظور کسب مشارکت دیگر صاحب‌نظران برای نقد و ارزیابی فعالیت‌های سازمان تامین اجتماعی، کنگره‌های سازمان تامین اجتماعی را ایجاد کردیم.

طبق صحبت‌های عباس‌زادگان تاسیس این موسسه بیش از آنکه ناشی از یک خلاقیت فردی باشد، بر ایند یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی بود. تامین اجتماعی در ایران پس از جنگ، نهادی جدیدالتاسیس و هدفش کمک به بهبود وضعیت معیشتی کارگران بود. اما در شرایطی که تصویری دقیق و منسجم از وضعیت معیشتی و اشتغال کارگران ایران موجود در دسترس نبود، دستیابی به این هدف بسیار سخت بود. به همین دلیل درست چند سال بعد از پا گرفتن دوباره تامین اجتماعی در ایران یعنی در سال ۱۳۶۸، این نیاز روزبه‌روز بیشتر حس می‌شد که سازمان تامین اجتماعی برای ارائه خدمات بهتر به نیروهای کار کشور، نیازمند یک بال پژوهشی است تا بتواند آمار و گزارش‌هایی دقیق از شرایط کارگران ایران در اختیار داشته باشد.

به همین دلیل و با پیگیری‌های جدی شخص مهدی کرباسیان این موسسه تاسیس شد تا هم فضایی برای گردآوری داده‌ها و آمار و گزارش‌ها در خصوص کارگران ایران باشد و هم فضایی شبه آکادمیک ایجاد کند برای بحث و گفت‌وگو میان روشنفکران و پژوهشگران در جهت ارتقای وضعیت گروه‌های نیازمند به حمایت اجتماعی و اقتصادی.

کرباسیان در این خصوص حتی اعتقاد داشت که موسسه می‌تواند به پژوهشکده تبدیل شود و دانشجویانی در دوره فوق‌لیسانس و دکترا داشته باشد که به طور مشخص روی وضعیت زندگی و شرایط کار طبقه کارگر ایران پژوهش کند.

کند و از سوی دیگر مهمترین بازوی نهاد تامین اجتماعی برای شناخت هرچه بهتر از وضعیت نیروهای کار در کشور باشد. مهدی کرباسیان در این‌باره می‌گوید: «یک کار اساسی که انجام شد فکر در مورد آینده تامین اجتماعی بود و اینکه ببینیم در دنیا چه می‌گذرد. چون در هر صورت بیمه اجتماعی بحثی نبود که ما اختراع کرده باشیم. بر همین اساس بحث پژوهش در سازمان مطرح شد و بعد رفتیم به سمت تاسیس موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

در اینجا جا دارد ذکر خیری کنم از بنیانگذاران موسسه آقای دکتر سید محمد عباس‌زادگان که مشاور من بود و بعد در کنار ایشان مرحوم جناب آقای دکتر بهرام پناهی و بقیه افرادی که در موقع راه‌اندازی موسسه حضور داشتند.

متأسفانه در بدو راه‌اندازی موسسه پژوهش از درون سازمان و از طرف نمایندگان بیمه‌شدگان و کارگران مقاومت‌هایی می‌شد که شاید به دلیل عدم شناخت بود ولی در هر صورت موسسه پژوهش توانست رابطه خوبی با ما داشته باشد و بتواند با آخرین اطلاعات و دانش از اتحادیه تامین اجتماعی بین‌المللی (issa) با ilo و با دانشگاه‌ها ارتباط پیدا کند. اما در کنار مهدی کرباسیان در مقام مدیرعامل وقت سازمان، افراد دیگری نیز حضور داشتند که در تاریخ نزدیک به بیش از دو دهه از تاسیس موسسه عالی پژوهش نقش مهمی ایفا کردند. یکی از این افراد سید محمد عباس‌زادگان بود. کرباسیان نیز نقش عباس‌زادگان را در پیدایش این موسسه برجسته می‌داند. خود عباس‌زادگان درباره تاسیس موسسه عالی پژوهش می‌گوید:

«مشکلات موجود سازمان این احساس را به‌وجود آورد که در مواردی تصمیم‌گیری‌های سازمان مورد پذیرش سه گروه کارگران، کارفرمایان و بدنه سازمان به عنوان عناصر سه‌گانه نبود. بر این اساس، به ایده پژوهش که مفهوم آن تدارک داده‌های لازم برای تصمیم‌گیری مدیران است، توجه شد.

در حوزه تامین اجتماعی سوالات متعددی مدنظر بود از جمله اینکه سرمایه‌گذاری سازمان تا چه اندازه بهینه است و چگونه می‌توان آن را ارتقا داد. مشکل دیگر این بود که از گروه‌های کارگری شکایت‌هایی مبنی بر عدم کفایت خدمات سازمان

می‌دانستند و این تفکر وجود داشت که نباید در قبال آن هزینه‌ای پرداخت شود و در کل، مجموعه، کار پژوهشی را نمی‌پذیرفت.

اما اساساً محور بحث زنده نگه‌داشتن پژوهش توسط سازمان بود. در سال 71 هنگامی که بودجه‌های سازمان بررسی می‌شد، تصمیم گرفته شد تا پژوهش در موسسه‌ای مجزا و بیرون از سازمان انجام شود، بر همین اساس در سال 72 موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی تأسیس شد.

در حالی که تفکر اولیه آن در سال 68 به وجود آمده بود. علت اصلی آن هم همان‌طور که اشاره شد این بود که در سازمان باید فقط کار اجرایی انجام شود و اگر افراد صاحب‌نظری هم وجود دارند به طور غیرمستقیم با موسسه همکاری داشته باشند.

از ابتدا هدف این بود که بخشی از نیازهای سازمان تأمین اجتماعی از طریق پژوهش‌های انجام شده در موسسه تأمین شود. اما این پژوهش‌ها از بعد نظری برای دانشجویان و محققان بیشتر قابل استفاده بود.

بدین ترتیب موسسه عالی پژوهش با تشکیل هیات‌امنا در نیمه دوم دهه هفتاد با هدف کمک به پژوهش در خصوص وضعیت نیروهای کار تحت پوشش نهاد تأمین اجتماعی تأسیس شد. در میان هیات‌امنا اولیه موسسه نام‌هایی همچون محمد ستاری‌فر، رزاق صادق، بهرام پناهی، ایرج کریمی و حسین باهر به چشم می‌خورد.

نسل دوم:

اما پس از تأسیس موسسه عالی پژوهش برخی افراد که در خصوص کارگران و فرودستان کشور در جامعه ایران به تحقیق مشغول بودند، کم‌کم یا به این نهاد وارد شدند یا در قالب همکار به شکل‌گیری بسیاری از پژوهش‌ها کمک کردند.

در همان سال 76 و در دوره ریاست دکتر ستاری‌فر، فریبرز رئیس‌دانا متخصص اقتصاد سیاسی، به عنوان پژوهشگر این موسسه مشغول به کار شد و به عضویت شورای پژوهشی موسسه درآمد. حسین راغفر، اقتصاددان نیز در کنار مشاوره، به شورای پژوهشی این موسسه پیوست. همچنین حسین عظیمی اقتصاددان نیز در همین دوره، به عضویت شورای پژوهشی موسسه درآمد بود.

می‌توان تصور کرد که اگر این ایده اولیه در دوره‌های بعد با جدیت پیگیری می‌شد، مطمئناً اکنون این موسسه به پژوهشکده تبدیل شده بود. جالب است که در جامعه فعلی ما که در بخش‌های مختلف آن دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مختلف مشغول به کار هستند، برای کارگران این جامعه که طبق آمارها جمعیتی بالغ بر 40 میلیون نفر با خانوارهای مرتبط را تشکیل می‌دهد، هنوز پژوهشکده‌ای مستقل وجود ندارد.

ایده تأسیس پژوهشکده اگرچه توسعه و تحقق پیدا نکرد اما در ادامه این نوشته خواهیم دید که در اجرا و در برخی دوره‌های بعد موسسه به چنین تصویری نزدیک شد. به خصوص در حد فاصل سال‌های 1376 تا 1384.

اما در کنار مهدی کرباسیان و محمد عباس‌زادگان افراد دیگری نیز حضور داشتند که به تأسیس این موسسه کمک کردند. از جمله بهرام پناهی که از ابتدای تأسیس، قائم مقام ریاست موسسه بود و علیرضا عونی، مدیرکل اسبق امور مالی سازمان که در نیمه‌های دهه 70 به عضویت هیات مدیره سازمان منصوب شد، از جمله پیشکسوتان حوزه تأمین اجتماعی است که خاطره‌ای کوتاه از پیشینه امر پژوهش در سازمان را روایت می‌کند.

روایت عونی از تأسیس این موسسه در نوع خود جالب است، به طوری که توجه به امر پژوهش را به حدود سه سال پیش از تاریخی که کرباسیان و عباس‌زادگان گفته بودند، مرتبط می‌داند. عونی در خصوص لحظه پیدایش و هدف اولیه موسسه می‌گوید:

«در سال 68 پس از بررسی‌های صورت‌گرفته، نبود تحقیق و امر پژوهش عامل کندی و رخوت در کار اجرایی سازمان تأمین اجتماعی شناخته شد. اولین بودجه‌ای که در آن سال به این امر اختصاص یافت، 5 میلیون تومان بود. اما این بودجه حتی در سال بعد نیز جذب امر پژوهش و تحقیق نشد. این موضوع چند دلیل داشت:

یکی اینکه، کار اجرایی و پژوهشی دو مقوله مجزا از هم هستند و همکاران ما در سازمان نمی‌توانستند هم کار اجرایی و هم پژوهشی انجام دهند. دلیل دیگر این بود که، در پرداخت حقوق و دستمزد به این افراد اختلافات و تنگ‌نظری‌هایی در سیستم وجود داشت. زیرا پژوهش را کاری حاشیه‌ای

اعلام شده سازمان تامین اجتماعی انجام داد که تعداد ۱۵ طرح تحقیقاتی آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است.

از مهمترین طرح‌های تحقیقاتی یاد شده طرح «ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی» و «طرح بیمه روستاییان و عشایر» است که پژوهشگران و کارشناسان زیر نظر شورای پژوهشی موسسه اجرا کردند.

برای ارائه تصویری بهتر از موسسه نگاهی کلی می‌کنیم به طرح‌هایی که در آن زمان در این موسسه انجام شده است. از جمله طرح‌های مهم مورد توجه در آن زمان، بررسی آسیب‌های سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی با همکاری فریبرز رئیس‌دانا، طرح زمینه‌های اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در ایران با همکاری سعید مدنی بوده است که امروز نیز در خصوص وضعیت اقتصادی و اجتماعی این نهاد و جامعه ایران از پژوهشگران فعال است.

در همین دوره مرحوم هدی صابر نیز پژوهشی گسترده در خصوص پیدایش سازمان‌های خیریه مستقل در تاریخ ایران از طریق موسسه انجام داد که هم‌اکنون نیز خواندنی است.

بهروز هادی زوز، علیرضا رجایی، عباس عبدی، منصور وثوقی، علیرضا محسنی تبریزی، مرتضی مردی‌ها، فرشاد مومنی، احمد قابل، حبیب جباری، علیرضا علوی‌تبار، فرشید یزدانی و بسیاری دیگر نیز با این موسسه همکاری پژوهشی داشتند و آثاری از خود برجای گذاشتند.

برای نمونه نگاهی می‌کنیم به یکی از تحقیقات آن زمان موسسه که امروز نیز در خصوص وضعیت تامین اجتماعی ایران قابل توجه است. عنوان این طرح «بررسی محدودیت‌ها و تنگناهای سرمایه‌گذاری‌های سازمان تامین اجتماعی» است. این طرح با همکاری فریبرز رئیس‌دانا، فریدون روشن‌روان و دیگران در سال ۱۳۷۴ انجام گرفته است. این پژوهش به منظور بررسی محدودیت‌های سرمایه‌گذاری‌های تامین اجتماعی در به دست آوردن سود کافی برای مقابله با افت ارزش‌های ناشی از تورم و ایجاد شرایط توسعه خدمات بیمه‌ای برای توسعه رفاه اجتماعی، انجام شده است.

در آن زمان درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های سازمان عمدتاً حاصل سود ناشی از سپرده بانکی، قرضه دولتی، سهام

در دوره مذکور یعنی در حد فاصل سال‌های ۷۶ تا ۸۰، افراد دیگر همچون دکتر زوز، دکتر بازاریار، دکتر توفیق، دکتر کدیور و محمد توکل جامعه‌شناس نیز به عضویت این موسسه درآمدند.

به طور مشخص موسسه عالی پژوهش از بدو تاسیس تاکنون روسای مختلفی را به خود دید. در دوره اول سید محمد عباس‌زادگان به عنوان نخستین رئیس این موسسه برگزیده شد. او فارغ‌التحصیل دکترای مدیریت از دانشگاه یو، اس، سی، آمریکا بود و نقش پایه‌گذار این موسسه را در نسل اول ایفا کرد. این ریاست تا سال ۷۶ ادامه داشت. اما پس از عباس‌زادگان و در نسل دوم ابتدا محمد قلاوند به ریاست موسسه رسید.

البته او در مدتی کمتر از یک سال، سرپرست این موسسه بود تا اینکه سرانجام علی‌اکبر شبیری‌نژاد رئیس این موسسه شد. دوران ریاست او به تعبیر بیشتر اعضا و همکاران موسسه پررونق‌ترین دوران موسسه عالی پژوهش تاکنون بوده است.

از لحاظ نظری موضع اقتصادی شبیری‌نژاد بیشتر در طیف نهادگرایی قابل تعریف است. شبیری‌نژاد یکی از پایه‌گذاران برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی در ایران بود. او قایل به مداخله دولت در اقتصاد از طریق نهادهای حمایتی و به سود طبقات کارگر و فرودست بود.

اما در دوره دهه هفتاد جامعه‌شناسانی همچون عبدالحسین نیک‌گهر نیز با این موسسه همکاری می‌کردند. نیک‌گهر در این خصوص می‌گوید: «فضایی که موسسه عالی پژوهش در آن زمان فراهم کرده بود برای ما که از دانشگاه رانده شده بودیم، بسیار مطلوب بود. به طوری که در آن زمان می‌توانستیم به موضوعات و مسائل مربوط به جامعه ایران و به‌خصوص مبحث تامین اجتماعی و مسائل کارگران با فراغ بال بیندیشیم»

اما نگاهی به طرح‌های تحقیقاتی موسسه از بدو تاسیس تا سال ۱۳۸۴ نیز بیانگر شکل‌گیری فضایی جدید در خصوص تحقیقات اقتصادی و اجتماعی است. موسسه از شروع فعالیت‌های خود در سال ۱۳۷۲ تا پایان سال ۱۳۸۴ جمعاً ۱۶۶ طرح پژوهشی (به شرح جدول یک) را بر پایه نیازهای



موسسه، دوران رونق و شاید بتوان گفت دوره طلایی خود را پشت سر گذاشت اما سیاست، تقدیر دیگری برای موسسه رقم زده بود. عصر فقرت اما پس از انتخابات سال 1384 و برآمدن دولت نهم، چراغ موسسه برای قریب به 4 سال و در زمان ریاست علی محمد گودرزی بر موسسه، رو به خاموشی رفت تا اینکه در نهایت در سال 88 و در زمان ریاست و با دستور او چراغ این موسسه به خاموشی محض فرو رفت.

در همان ابتدا علی ذبیحی رئیس جدید سازمان تامین اجتماعی در دولت دهم تصمیم گرفت که این موسسه را تعطیل کند. بسیاری از اسناد و تحقیقاتی که در طول بیش از 10 سال قبل گردآوری شد به انبارهایی نامشخص منتقل شد. به طوری که امروز نیز برخی اسناد و تحقیقات گم شده‌اند و تنها نام آنها وجود دارد. هنوز مشخص نیست که دلیل بسته شدن و انحلال این موسسه در دوران دوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد چه بود.

اما مهمترین اثری که انحلال این موسسه برجای گذاشت این بود که نهاد تامین اجتماعی در ایران بال علمی و پژوهشی خود را از دست داد. مشخص نیست که برنامه ریزان تامین اجتماعی در این سال‌ها بر اساس چه آمار و گزارش‌هایی برای کارگران و افراد مورد حمایت این نهاد برنامه ریزی کرده‌اند.

به هر حال وضع و حال تامین اجتماعی و کارگران تحت پوشش آن در 8 سال دولت نهم و دهم امروز بر همگان آشکارتر از هر زمان دیگری است. بازگشایی در دوران دولت یازدهم و با تعیین ریاست جدید سازمان تامین اجتماعی، یکی از نخستین اقدامات رئیس جدید بازگشایی موسسه عالی پژوهش بود.

سید تقی نوربخش خود از اعضای هیات امنای موسسه عالی پژوهش در دهه هفتاد و تحت ریاست محمد ستاری فر بود. اما پس از آنکه نوربخش به ریاست سازمان رسید، در یکی از اولین قدم‌ها این موسسه را بازگشایی کرد.

در طول سه سال گذشته این موسسه سلانه سلانه در حال بازگشت به دوران اولیه خودش است. اما حجم آثار منفی دوره تعطیل و فقرت موسسه همچنان برجاست. به هر حال خانه از پای بست ویران شده بود و می‌باید آن را از نو ساخت.

شرکت سرمایه‌گذاری، شرکت خانه‌سازی و املاک و مستغلات بوده است و در حالی که سالانه به طور متوسط 19/3 درصد رشد سرمایه طی سال‌های دهه 60 تا 70 داشته است به طور متوسط شاهد 18/4 درصد رشد سود بوده‌ایم که این امر با توجه به متوسط نرخ سود جامعه پذیرفتنی نیست و حکایت از مشکلات و مسائل سرمایه‌گذاری‌های سازمان دارد. در این پژوهش محدودیت‌های سازمان در تقسیم‌بندی‌های زیر بررسی شده است:

1. ساختاری. مثل عدم پرداخت دیون دولت، مقررات قانونی خاص، شمول مقررات مالیاتی بر شرکت‌های تابعه، سلب قانونی مالکیت و مدیریت بانک رفاه کارگران از سازمان، اجرای پروژه‌های بیمارستان‌سازی در مناطق فاقد توجیه اقتصادی، فشار تورم ناشی از سیاست‌های تعدیل.

2. هدف‌ها و راهبردهای کلی. برای مثال ارزیابی نکردن سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در متن ساختارهای کلی سازمان و نارسا و روشن نبودن وضعیت بازار بورس.

3. هزینه و درآمد. شامل توانایی نداشتن سازمان در حفظ ارزش ذخایر به دلیل پایین بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها در مقایسه با شاخص‌های تورمی، سنگین شدن باز هزینه‌ها در مقایسه با درآمدها و قابلیت نقدشوندگی ناکافی دارایی‌های ثابت.

4. سیاست‌ها. نداشتن سیاست‌هایی مثل انتخاب رشته‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، ساختمانی، خدماتی، نامناسب بودن سیاست‌های نرخ بهره، تسهیلات اعتباری و اوراق بهادار و سودآور نبودن سیاست‌های اعتباری.

5. سرمایه‌گذاری. مانند فقدان مرزبندی بین سرمایه‌گذاری‌های سازمان و شستا بر اساس تعادل، سهم‌بندی مطلوب، سیاست‌گذاری مناسب و یا نامعین و بی‌ضابطه بودن سرمایه‌گذاری با نگاهی به تصویر فوق از طرح مذکور در اواسط دهه 70 و با قیاس آن با وضعیت امروز سرمایه‌گذاری در نهاد تامین اجتماعی، می‌توان به وضوح دید مسائلی که در آن پژوهش‌ها به آن اشاره و نسبت بدان هشدار داده شده بود، هنوز نیز کم و بیش پابرجا هستند.

به هر حال موسسه تا پایان سال 84 به تعبیر همکاران این

## دشت اردبیل در معرض خطر

### فرونشست و بروز زلزله



آب‌های زیرزمینی سه مورد "کشاورزی، شرب و صنعت" را نام می‌برد.

#### توقف فرونشست

مسعود امامی یگانه، مدیرکل مدیریت بحران استانداری اردبیل، معتقد است که با این حال می‌توان از فرونشست دشت با متوقف ساختن افت سطح آب از راه پیاده‌کردن طرح‌های تغذیه‌ی مصنوعی جلوگیری کرد. به نظر او راهکارهای مقابله با فرونشست زمین عبارتند از: «ارتقای تاب‌آوری لوله‌های شریان‌های حیاتی و کنترل منظم و مدیریت آن‌ها به‌صورت دوره‌ای، حفظ بافت طبیعی آبراهه‌ها، تغییر الگوی کشت، کاشت گیاهان کم‌آبر در بخش کشاورزی و فضای سبز، اجرای سازه‌های حفاظتی غیرقابل نفوذ در کف رودخانه‌ها و مسیرهای طبیعی و همچنین گسترش گلخانه‌ها».

کارشناسان معتقدند، حتی اگر بتوان سطح آب زیر زمینی را به سطح پیش از فرونشست برگرداند، باز هم سطح زمین به‌طورکامل به حالت اولیه برنخواهد گشت.

خطر بروز فرونشست زمین در اثر افت سطح آب زیرزمینی، دشت ۹۹۰ کیلومتری اردبیل را تهدید می‌کند. با آن که کاهش شدید سفره‌های زیرزمینی در این منطقه غیرقابل انکار است، مسئولان از "عدم مشاهده‌ی آثار عینی فرونشست" سخن می‌گویند.

دشت اردبیل هم به جرگه‌ی دشت‌های ممنوعه‌ی کشور مانند تهران، همدان، کرج و رفسنجان پیوست. در این دشت‌ها (به‌جز اردبیل) آثار فرونشست به صورت ترک‌های طولی طویل در زمین دیده می‌شود. کارشناسان می‌گویند، هر چند مسئولان از "عدم مشاهده‌ی آثار عینی فرونشست" در دشت اردبیل سخن می‌گویند، ولی کاهش شدید سفره‌های زیرزمینی، همچنین ضخامت آبرفت در منطقه، نمایانگر آغاز روند فرونشست است. این امر به نوبه‌ی خود احتمال وقوع زمین‌لرزه‌ی متوسط را در دشت افزایش می‌دهد.

روند فرونشست دشت اردبیل از اوایل دهه‌ی ۵۰ در اثر حفر بی‌رویه‌ی چاه آغاز شد که با رونق کشاورزی و استفاده‌ی بی‌رویه از سفره‌های آبی موجود از دهه ۶۰ سیر صعودی به خود گرفت تا این که وزارت نیرو در سال ۶۸ نزدیک به دو سوم، در سال ۸۷ تمام مساحت دشت و در سال ۹۵ کل محدوده‌ی اردبیل را ممنوعه اعلام کرد.

بنا به گفته‌ی اصغر سلیمان زاده، مدیرعامل آب منطقه‌ای استان اردبیل در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایرنا، "عدم تغذیه‌ی

کافی آبخوان و پمپاژ بیش از حد آب‌های زیر زمینی سبب

بروز این پدیده شده است. او در رابطه با موارد مصرف این

## مروری بر داستان تلخ کولبرها؛

## شغلی که با بهمن خبرساز شد



نادری با تاکید بر اینکه درحال حاضر برخی به طور سازمان‌یافته به راحتی دست به واردات عمده از مبادی رسمی‌کشور می‌زنند، افزود: بسیاری از کولبرها برای امرار معاش روزانه جان و مال خود را به خطر می‌اندازند از این رو برخورد نیروی انتظامی با آنها، ضبط اموال و همچنین کشتن حیوانات باربر آنها خلاف قاعده و قانون است. کولبرها در مناطق مرزی کشور راهی جز واردات برخی اقلام مصرفی آن هم در حد بسیار ناچیز برای امرار معاش خود ندارند».

به گفته علیرضا آشناگر، معاون سیاسی، امنیتی استانداری کردستان با توجه فعالیت 5 بازارچه موقت مرزی و فعالیت قریب به 60 هزار نفر در این حوزه در قالب کولبری می‌توان گفت که در مجموع 11 هزار خانوار دارای دفترچه کولبری هستند که در چارچوب قانون قادر خواهند بود هفته ای دو نوبت وارد مرزها شوند و محصولاتی را به همراه خود وارد مرزهای کشور کنند.

در اولین جلسه علنی مجلس پس از وقوع این حادثه تلخ، در مجلس کمیته حقیقت یابی برای بررسی وضعیت کولبرها تشکیل شد.

قریب به یک ماه بعد از حادثه کمیته حقیقت‌یاب در شهرستان پیرانشهر و شهرهای مرزی این شهرستان در میان کولبران حاضر شد و آنها مطالباتی را مطرح کردند که مهمترین آنها بیمه تأمین اجتماعی بود.

چهار روز پس از این بازدید خضری عضو کمیته حقیقت‌یاب بررسی وضعیت کولبران گفت: با توجه به این مطالبه

ریشه و عامل اصلی کولبری به نارسایی های اقتصادی و دشواری های امر اشتغال باز می گردد و به تعبیری می توان گفت هر آنچه توسعه نیافتگی و فقدان امکانات و ضعف های زیرساختی تشدید شود به همان میزان گرایش به مشاغل غیر قانونی و کاذب همچون کولبری افزایش می یابد.

11 بهمن ماه سال گذشته بود که خبری در مرزهای کردستان بسرعت به تیتراژ یک روزنامه ها و سایت های خبری بدل شد. خبر این بود: «سقوط بهمن در قردهان واقع در نزدیکی روستای بیوران سردشت ۱۶ کولبر زیر برف ماندند. ۴ نفر از این کولبران از دنیا رفتند و ۱۲ نفر نیز راهی بیمارستان شدند.» افراد قربانی ریزش بهمن از شهرهای مختلف کردنشین هستند که برای انتقال کالاها در مناطق مرزی ایران و عراق مشغول به کار بودند. از همان روز بود که داستان کولبران توجه رسانه ها و پیگیری جمعی از مسئولان را به خود جلب کرد.

کولبری شغل پر ریسکی است چرا که از نظر دولت انتقال کالاها توسط کولبران قاچاق است و تاکنون صدها کولبر به دلیل آوار بهمن در راه های پر پیچ و خم مرزی و کوهستانی کشته شده اند

کولبری که یکی از انواع قاچاق محسوب می‌شود در مناطق مرزی غربی به عنوان شغلی در میان مردم به حساب می‌آید. کولبران به افرادی اطلاق می‌شود که در مناطق مرزی از روی ناچاری و با دریافت دستمزد ناچیز اقدام به حمل کالای خارجی از نقاط «غیررسمی گمرکی» می‌کنند.

همان ایام سایت‌های محلی انتقاد کردند که دولت برای اشتغالزایی کولبران که اکثراً از میان جوانان کرد هستند کاری نمی‌کند. «شهاب نادری» نماینده پاره و اورامانات در مجلس معتقد است «کولبرها پیشمرگان قاچاقچیان سازمان‌دهی شده و کلان شده‌اند.» او گفته است: «متأسفانه مسئولان به جای برخورد قاطع با قاچاق کلان و سازمان‌دهی شده که اقتصاد کشور را فلج کرده؛ خود را مشغول قلع و قمع کولبرها کرده‌اند».

نیز رونق پیدا کند. کولبران از عواید مرزی سهمی ندارند و بیشتر منافع در دست دلان است. وی موضوع تیر خوردن کولبران را از دیگر موارد مطرح شده عنوان و اظهار کرد: کولبران تحت عناوین مختلف در مرزها به دلیل اصابت گلوله جانشان را از دست می‌دهند و خانواده‌هایشان بی‌سرپرست می‌شوند. باید هنگ مرزی و نیروی انتظامی در صورت مشکوک شدن به فردی او را بازداشت کرده تا به وضعیت‌اش در دادگاه صالحه پرداخته شود و حکم صادر گردد نه اینکه هنگ مرزی به دلیل مشکوک شدن به فردی به او تیراندازی کند که متأسفانه در برخی از موارد باعث داغدار شدن خانواده‌ها و در نهایت نارضایتی افکار عمومی می‌شود.

به گفته جامعه شناسان ریشه و عامل اصلی کولبری به نارسایی‌های اقتصادی و دشواری‌های امر اشتغال باز می‌گردد و به تعبیری می‌توان گفت هر آنچه توسعه نیافتگی و فقدان امکانات و ضعف‌های زیرساختی تشدید شود به همان میزان گرایش به مشاغل غیر قانونی و کاذب همچون کولبری افزایش می‌یابد.

عدم سودآوری مناسب در حوزه فعالیت‌های کشاورزی و زراعی، خشکسالی و... از دیگر عوامل موثر در شیوع و بروز این فعالیت غیر رسمی و ناخوشایند است. برخی جامعه شناسان و کارشناسان مسائل اجتماعی، علاوه بر دغدغه‌ها و احتیاجات اقتصادی، موقعیت جغرافیایی را نیز عاملی موثر در کولبری عنوان می‌کنند، زیرا بطور طبیعی در مناطق مرزی تقاضا برای چنین فعالیت‌هایی پر رنگ می‌شود و قاعدتا افراد فعال در این بافت جغرافیایی، مستعد قرار گرفتن در معرض چنین مشاغلی خواهند بود.

جلسه‌ای با وزیر کار تشکیل و تفاهنامه‌ای امضا شد که به موجب آن کولبران از نیمه دوم فروردین ۹۶ بیمه تأمین اجتماعی شوند. استارت این بیمه از شهرستان پیرانشهر زده می‌شود و قرار است در سطح آذربایجان غربی گسترش یابد.

به گفته خضری بیمه تأمین اجتماعی شامل پرداخت دیه و انواع شمولیت‌های این بیمه خواهد شد که امیدواریم با عملیاتی شدن قول دولت، کولبران در سطح مرزها از نیمه دوم فروردین بیمه شوند.

این عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس برای بررسی وضعیت کولبران، مطالبه دیگر کولبران را حذف دلان عنوان و اظهار کرد: در حال حاضر بیشتر پول کولبری به جیب دلان می‌رود و بیشتر از ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان به جیب کولبران نمی‌رود لذا درخواست آنها این است که دست دلان کوتاه شود. وی مناسب‌سازی مسیر برای کولبری را از دیگر موارد مورد تأکید کولبران دانست و گفت: تأکید بر این است که در معابری که باید بارها تنها از طریق کولبری حمل شود وسایل حمل و نقل موتوری و یا چهارچرخه تعبیه شود تا کولبران ناچار به حمل بار بالغ بر ۲۰۰ کیلو نشوند که این مطالبه به‌حق برای مناسب‌سازی مسیر است.

نماینده پیرانشهر همچنین گفت: وضعیت خروج کالا از مرزها نیز مناسب نیست به طوری که شاهد خروج کالا به صورت جمعی آنها از طریق تریلی به کشور هستیم. روندی که صدمه‌هایی به بازار کالای کشور وارد می‌کند. تأکید بر این است که این امکان آن هم به صورت خرده فروشی به شهرهای مرزی داده شود تا شهرنشینان در استان‌های مرکزی کشور برای سفر به شهرهای مرزی ترغیب شده و گردشگری

**کمک مالی به فرقه دمکرات آذربایجان**  
**شماره حساب: AZ80AIB33080019443302338103**  
**جمهوری آذربایجان - باکو کاپیتال بانک**

Azərbaycan qəzeti  
 5- ci dövr 128-ci nömrə. Aprel 2017  
 Qəzet təhriyə heyəti tərəfinfən nəşr olunur.  
 www.adfmk.com

قزنت تحریریه هیتی طرفیندن نشر اولونور  
 قزنتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر  
 E- mail info @ adfmk.com